

بقلم : آقای صدرهاشمی

از اصفهان

کتاب طربخانه

پس از مدتها انتظار و وعده‌هایی که دانشمند محترم جناب آقای همائی به علاقه‌مندان بکتاب ادبی و بخصوص بآثار حکیم عمر خیام داده بوده اخیراً انجمن آثار ملی کتاب طربخانه را با مقدمه جامع و تصحیح و تحشیه کامل معظم‌له انتشار داده است .

این جانب علی‌العجاله باصل کتاب و مؤلف آن و اینکه تا چه اندازه مطالب و مقدمه کتاب طربخانه درست یا نادرست است کاری ندارم اما مطلبی را لازم است یادآور شوم که راستی باعث تأسف و تأثر است و آن مطلب عبارت از جملات شدیدی است که در صفحات و حواشی کتاب دیده میشود و در آنها آقای همائی پس از سالیان دراز که از اظهار نظر استاد فقید عباس اقبال در سال پنجم شماره ۴ مجله یادگار درباره کتاب طربخانه میگنرد ، در حقیقت خواسته‌اند تلافی و پاسخ گوئی نمایند .

خلاصه نوشته‌های آقای همائی این است که عباس اقبال نسخه ۶۰۴ هـ رباعیات خیام را جعل کرده و آنرا بقیمت گزاف در اروپا فروخته و در حقیقت این نسخه مخدوش است و قابل اعتماد نیست .

نوشته دانشمند محترم که ممکن است برای بعضی دست‌آویز گردد ، باینجه منتهی گردید که در تاریخ ۲۵ مهر ماه ۴۳ که آقای علی‌اف در دانشکده ادبیات اصفهان درباره ایران‌شناسی در شوروی سخنرانی جامعی ایراد نمود و مدت يك ساعت طول کشید همین مطلب آقای همائی را عنوان نمود (البته نه بنام مرحوم

عباس اقبال) و گفت علمای ایران کتابهای ساختگی را بعنوان اصل جا میزنند و آنها را بقیمت‌های گزاف میفروشند. یاللعجب. گفتا ز که نالیم که از ماست که برماست.

اگر آقای همائی بکسیکه عمر خود را تماماً وقف تألیف و تصنیف و انتشار متون ادبی و تاریخی نموده چنین نسبت ناروایی ندهند هرگز يك نفر خارجی جرأت ایراد چنین گفتاری را ندارد. حالاً دلیل فاضل محترم آقای همائی چه میباشد باید باصل مقدمه کتاب طربخانه مراجعه نمود.

و اما چطور شده است که آقای همائی درصدد برآمده‌اند که اینطور باستاد فقید عباس اقبال حمله نمایند.

گرچه این وضع متأسفانه اخیراً بین دانشمندان ایران معمول و متداول شده و مراجعه بمقدمه بعضی کتب در این باره گفتار ما را مدلل و ثابت مینماید. بنا بر این حملات آقای همائی بدانشمند فقید اقبال هم جزو این رسم معمول زمان بشمار میرود با فرق باینکه در این جا طرف حمله مدتهاست چهره در زیر نقاب خاک پنهان کرده و بقول عوام دستش از دنیا کوتاه است و حقایق این بود که آقای همائی مرده دانشمندی را که سالهاست در زیر خاک خفته لگد بزنند.

و ما برای اینکه خوانندگان عظام از نظرات مرحوم اقبال در باره کتاب طربخانه و عقیده ایشان در باره مؤلف طربخانه که او را «مردی بیسواد یا از آن خشت بقالب زنهای شارلاتان بوده است» میدانند، آگاه گردند عین عبارات ایشان را بنقل از شماره چهارم سال پنجم مجله یادگار ص ۸۰ درج مینمائیم:

«بنظر نگارنده (مقصود مدیر مجله یادگار یعنی مرحوم اقبال است) و باستناد شواهد و اسنادی که در باب موطن و مولد و مدت تقریبی عمر خیام در دست

است جز اینکه بگوئیم که این یار احمد رشیدی تبریزی مردی بیسواد یا از آن خشت بقالب زنهای شارلاتان بوده است چاره‌ای دیگر نداریم و عجب این است که آقای همائی با اینکه خود مردی فاضل و ریاضی و منجمد فریب این مرد دروغ-زن را خورده و با نقل این بیانات در دام او افتاده اند .

بتصدیق جمیع مورخین سلطان ملک‌شاه سلجوقی در سال ۴۶۷ قمری يك‌عده از بزرگان منجمین ممالک خود از جمله حکیم عمر خیام را در اصفهان بر آن داشت تاریخ ملک‌شاهی را ببندند و تاریخ جلالی را ترتیب دهند و خیام در میان ایشان اگر از همه جلیل‌المقام تر نبود از هیچ يك از آنان نیز پست تر محسوب نمیشد . اگر خیام بادعای یار احمد مذکور در ۴۵۵ تولد شده باشد پس حکیم مزبور در موقع بستن زیج جلالی سیزده سال داشته و هیچ عقلی باور نمیکند که بچه سیزده ساله را در ردیف علمای بزرگ درجه اول بآن قبیل کارهای علمی دقیق گماشته باشند .

سال ۵۰۷ نیز برای تاریخ وفات او قطعاً غلط است زیرا که نظامی عروضی او را در سال ۵۰۸ ملاقات کرده بوده و ۵۲ و ۵۵ سال جهت سن او نیز بکلی بی‌اساس مینماید زیرا که اگر در موقع بستن زیج ملک‌شاهی یعنی در سال ۴۶۷ بعد اقل سن خیام را سی هم بگیریم تاریخ تولد او مقارن حدود ۴۳۷ میشود و از ۴۳۷ تا ۵۰۸ که یقیناً تا آن سال خیام در حیات بوده متجاوز از ۷۱ سال میشود و این تازه حد اقل سن اوست . بعلاوه کسیکه آن رباعیات حکیمانه را از حکیم دیده باشد یقین میکند که این بیانات از مردان چهل پنجاه ساله نیست بلکه از پیر مردان خردمند دنیا دیده است که پس از يك عمر معرفت آموختن همه را افسانه دیده و جز می خوردن و شاد بودن امینی را متین و جز فارغ بودن از هر کفر و دین دینی را مبین نیافته است . این بود خط مرحوم عباس اقبال در باره مؤلف طربخانه

در خاتمه لازم است یادآور شوم مبدا العیاذ بالله تصور شود که در نوشتن این سطور
 قصدم توهین و یا خورده گیری بر استاد خود آقای همائی باشد چه ایشان قطع
 نظر از مقام فضل و دانش بر این جانب نیز سمت استادی و تعلیم داشته و هنوز
 پس از گذشتن سالیان دراز آهنگ بیانات محققانه ایشان در تدریس کتاب مطول
 تفتازانی و شرح شمسیه و کتب دیگر ادبی در گوش این جانب طنین انداز است
 بلکه وقتی مقدمه جناب ایشان را بر کتاب طربخانه و اینکه این مطلب دست آویز
 دیگران برای حمله بدانشمندان ایرانی شده است، دیدم و خواندم بی اختیار
 از خود بیخود شده و در صدد نوشتن این سطور در مجله نفیس ارمغان بر آمدم حالا
 اگر قلم قدری تندی و سرپیچی کرده گناه از من نبوده و بلکه شدت تأثر و احساسات
 بوده است که مرا وادار بنوشتن، این سطور کرده است.

شوربشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چهار نعمت بزرگ

چهار چیز هر آزاده را ز غم بخرد :

تن درست و خوی خوب و نام نیک و خرد

هر آنکه ایزدش این هر چهار روزی کرد

سزد که شاد زید جاودان و غم نخورد

رودکی سمرقندی